

جنایت پایان یک رابطه پنهانی

21 مهر 1401

مرد متأهلی که متهم است در یک رابطه پنهانی زن جوانی را به قتل رسانده در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

رسیدگی به این پرونده از تابستان سال گذشته با گزارش ناپدید شدن دختر جوانی به نام سولماز آغاز شد.

وقتی مأموران به تحقیق از مادر این دختر که گزارش ناپدید شدن او را داده بود پرداختند وی در حالی که بسیار نگران حال دخترش بود در تشریح ماجرا به مأموران گفت: سولماز 33 سال دارد. او 4 سال قبل پس از [طلاق](#) آپارتمانی را در محدوده خیابان دماوند اجاره کرده بود و به تنهایی زندگی می‌کرد. من تقریباً هر روز با دخترم در تماس بودم و سعی می‌کردم هفته‌ای چند بار به او سر بزنم. اما چند روزی است که تلفن همراهش خاموش شده و وقتی هم به خانه‌اش رفتم در را باز نکرد. از همسایه‌ها سراغش را گرفتم همه عنوان کردند که چند روزی است او را ندیده‌اند. به همین خاطر نگرانم که برایش اتفاقی افتاده باشد. پس از اظهارات زن میانسال مأموران با حکم قضایی وارد خانه سولماز شدند و در همان بدو ورود با جسد خونین او که با ضربه‌های متعدد چاقو به قتل رسیده بود مواجه شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد وی از سوی فردی آشنا به قتل رسیده است و آثار درگیری و به هم‌ریختگی یا ورود فردی غریبه دیده نشد. بدین ترتیب جسد زن جوان به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران شناسایی عامل قتل را در دستور کارشان قرار دادند.

بررسی مکالمه‌های سولماز و آخرین تماس‌های او نخستین مرحله از تحقیقات مأموران بود که پلیس را به چند قدمی قاتل رساند. به طوری‌که مشخص شد سولماز مدتی با مرد متأهلی به نام اردلان در ارتباط بوده است. در ادامه مأموران اردلان را شناسایی و او را دستگیر کردند که وی در همان مراحل اولیه بازجویی به قتل سولماز اعتراف کرد و درباره انگیزه‌اش از قتل گفت: من و سولماز چند ماهی بود که باهم در ارتباط بودیم. روز حادثه به خانه‌اش رفته بودم که سر پول با هم بحث‌مان شد و درگیر شدیم و من هم از شدت عصبانیت به او چند ضربه چاقو زدم و از خانه‌اش فرار کردم.

پس از اعترافات صریح متهم، بازسازی صحنه جرم، گزارش [پزشکی قانونی](#) و تکمیل تحقیقات توسط پلیس و صدور کیفرخواست قتل عمد، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.



انکار قتل در دادگاه

در ابتدای جلسه محاکمه اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند. پس از آن متهم به جایگاه رفت و با انکار قتل گفت: چند سال قبل ازدواج کردم اما هیچگاه رابطه خوبی با همسرم نداشتم تا اینکه چند ماه پیش از فوت سولماز با او آشنا شدم و ارتباط مان خوب بود اما همیشه در خیابان همدیگر را ملاقات می‌کردیم.

بارها سولماز از من خواسته بود که به خانه‌اش بروم اما من تمایلی نداشتم تا اینکه روز آخر باهم بیرون رفتیم و او بازهم اصرار کرد که به خانه‌اش برویم و در نهایت به خاطر اصرارهای او قبول کردم و رفتم اما وقتی خواستم از خانه‌اش بیرون بیایم از من خواست تا مبلغی پول به او بدهم.

وی افزود: چون پول زیادی می‌خواست

گفتم که نمی‌توانم پرداخت کنم.

حتی گفتم در حسابم هم پولی ندارم که پرداخت کنم ولی به یکباره سولماز عصبانی شد و تهدیدم کرد که اگر پول را ندهم فریاد می‌زند و آبرویم را می‌برد و همسایه‌ها را به خانه‌اش می‌کشاند.

من سعی کردم او را آرام کنم ولی سولماز دست بردار نبود و بازهم تهدیداتش را بیشتر کرد و گفت به همسرت می‌گویم که با من در ارتباط بودی. وقتی فکر کردم که اگر همسرم بفهمد چه اتفاقی می‌افتد به یکباره عصبانی شدم و کنترلم را از دست دادم و در همین حین چشمم به کارد میوه‌خوری که روی میز بود افتاد. آن را برداشتم و دو ضربه به صورت و بدنش زدم و سرعت از خانه‌اش بیرون آمدم.

متهم در پاسخ به سؤال قاضی که اگر شما تنها دو ضربه به او زدی چرا در گزارش پزشکی قانونی ذکر شده که مقتول به دلیل ضربات متعدد جسم نوک تیز و خونریزی ناشی از آن فوت کرده، گفت: من غیر از دو ضربه که به صورت و کتف سولماز زدم ضربه دیگری نزدم و تعجب می‌کنم که چرا در گزارش عنوان شده که ضربات متعدد بوده است. من حتی زمانی که از خانه سولماز خارج می‌شدم او نفس می‌کشید. بنابراین اتهام قتل را قبول ندارم. شاید بعد از خروج من فرد دیگری وارد خانه سولماز شده و او را کشته است.

پس از اظهارات متهم و وکیل وی قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

*کامران علمدهی / ایران